

گفت و گوی صبا با عوامل فیلم آویختگی

دامی که با عشق هم نمی‌توان از آن گریخت



فیلم آویختگی یک درام اجتماعی به نویسندگی و کارگردانی مهدی رضایی است که این روزها در بخش هنر و تجربه سینما ایران اکران می‌شود. آویختگی تلاش کرده تا از منظری جدید به موضوع اعتیاد، عشق و خانواده بپردازد. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با عوامل این فیلم را می‌خوانید.

مهدی رضایی:

از نزدیکی اثر به زیست خودم ابایی ندارم

از چگونگی انتخاب اسم فیلم بگویید.

اولین گزینه‌ای که ما برای نام فیلم داشتیم جیغ بنفش مورچه‌ها بود که حتی در جشنواره‌های خارجی هم با همین نام شرکت کرد. این اسم متأثر از شعری بود که در طول فیلم مدام تکرار می‌شد و همینطور کاراکتر مورچه‌ای که در اثر هست. ولی به خاطر بازخوردهایی که گرفتم مبنی بر اینکه این اسم ممکن است مقداری عجیب غریب باشد و ارتباط کافی برقرار نکند تصمیم گرفتم به وضعیتی فکر کنم که این فرد و روابطش گرفتارش هستند تا به این کلمه آویختگی رسیدم. اینکه این کاراکتر به نوعی نه متعلق به گروه و دسته دوستانش است و نه متعلق به عشقش و دسته کسانی که در جهت مقابل ایستاده‌اند و این بیماری اعتیادش باعث شده است که او در چنین وضعیتی قرار گیرد به همین علت اسم آویختگی به ذهنم رسید. تصاویری مانند مورچه آویزان از آینه وسط ماشین هم عمق انتخاب این اسم را بیشتر تر می‌کند. آویختگی در زبان فارسی معنی تکه تکه شدن نیز دارد که با توجه به سرانجام کاراکتر همخوانی بیشتری با فیلم دارد و مجموعه این عوامل مرا به سمت کلمه آویختگی بردند.

از پروسه فیلمبرداری تا رسیدن اثر به اکران بگویید.

با سرمایه‌گذار خصوصی کار کردیم و بوجه محدودی داشتیم. باید ظرف مدت ۲۰ روز کار را تمام می‌کردیم به همین علت دو ماه و نیم در پلاتوها با بچه‌ها تمرین کردیم حتی کوتاه‌ترین صحنه‌ها را از قبل آماده کرده بودیم و در مدت فیلمبرداری به نوعی رکورد زدیم و در ۱۷ روز کار جمع شد. خوشبختانه ما مدیر تولید بسیار خوبی داشتیم. همینطور با اینکه لوکیشن‌های محدودی داشتیم اما به نوعی طراحی صحنه و فیلمبرداری شد که آن محدودیت به نظر نیاید و تنوع لوکیشن مان‌گم نشود. ولی پست پروداکت مدت زیادی زمان برد از طرفی تنها مدیومی که می‌توانست اثر مرا اکران کند هنر و تجربه بود و «آویختگی» جزو آخرین فیلم‌هایی بود که به هیات انتخاب پیشین هنر و تجربه رسید و بعد هنر و تجربه تعطیل شد و من تقریباً چهار فروپاشی شدم چرا که فیلمم را هیچ پلتفرمی قبول نمی‌کرد. خب سینمای بدنه اصلاً اینگونه فیلم‌ها را بر نمی‌تابد و فیلم با بازیگر چهره نیز ندارد و همین هم مزید بر علت می‌شد. تا اینکه فیلم را به پلتفرم‌ها و فیلیمو دادم که پسندیدند و قرار بود همکاری کنیم که به طرز عجیبی شاید هم کار خدا شد که یک مشکل فنی پیش آمد و ما نتوانستیم فیلم را به این پلتفرم‌ها ارائه بدهیم و هیات جدید هنر تجربه بر سر کار آمد و فیلم وارد پروسه اکران شد.

با توجه به اینکه خودتان متعلق به دنیای تئاتر هستید و تعدادی از کاراکترهای فیلم هم در دنیای تئاتر هستند با چالش باریک خاصی مواجه بودید؟

سعی می‌کنم به درونیات و زندگی خودم خیلی توجه داشته باشم و ابایی ندارم از اینکه اثر به زیست خودم نزدیک باشد. ولی دلیل اصلی برای اینکه فیلم را بیشتر به این سمت بردم که یک گروه تئاتر در آن حضور داشته باشد این بود که دو سبک زندگی متفاوت افراد جوان را نشان بدهم و با بررسی زندگی موازی یلدا و امیر، یک زندگی سالم هنری متشکل از افراد فعال با انگیزه که مشغول به یک کار مثبت هستند را در برابر سبک زندگی اکیپ دوستان امیر که مدام مشغول به بطالت، توهم، ایستایی و سکون بودند بگذارم. و گر نه یلدا می‌توانست هر شغل دیگری داشته باشد ولی به خاطر جلب توجه مخاطب به این تفاوت‌ها تعمداً شغل او را تئاتر انتخاب کردم.

متأسفانه از سال‌های بسیار دور در ذهن جامعه این نگرش غلط که دنیای هنرمندان از نظر اخلاقی سالم نیست شکل گرفته ولی در «آویختگی» کاملاً عکس این مسئله مطرح می‌شود حتی به تاثیر هنر در شکل‌گیری یک سبک زندگی درست می‌پردازد.

بله دقیقاً! اتفاقاً ما هنر را به همین دلیل آوردیم که دنیای سالم هنری را نشان بدهیم. حتی وقتی امیر برای اولین بار ترانه‌ای به ذهنش می‌رسد درست زمانی است که تصمیم قطعی گرفته تا مواد را کنار بگذارد. یعنی جرقه تولید یک اثر زمانی برایش اتفاق می‌افتد که او به

مستند باشد به همین علت ما دو ماه و نیم تمرین می‌کردیم تا بازی‌ها به این سمت برود و در نهایت این فضای وهم‌انگیز و دنیای ذهنی امیر و آنچه که در خیالش رخ می‌داد با یک فضای واقعی و ناتوال ترکیب شود. من در زمینه کار تئاتر هم اینگونه هستم و مدام به دنبال ترکیب کردن چند عنصر یا سبک و شیوه هستم و در این اثر نیز تلاش کردم همین مسئله وجود داشته باشد.

نقش علی باقری و مانوری که شما از طریق مفهومی با این کاراکتر می‌دهید از جمله نکاتی است که اثر را متمایز می‌کند این همکاری چگونه شکل گرفت.

کاراکتری که علی باقری بر عهده دارد زاینده خیالات امیر است و هر چه این خیالات به مرور زمان شکل عوض می‌کنند و به واقعیت خودشان نزدیک‌تر می‌شوند این تصویر هم واقعی‌تر می‌شود. ما سعی کردیم با نوع لباس‌ها، گریم و نوع بیان خود کاراکتر این مفهوم را در اثر پیاده کنیم. آقای باقری در بازیگری استاد من هستند و چیزهای زیادی به من آموخته‌اند. خدا را شکر وقتی فیلمنامه را خواندند اثر را بسیار دوست داشتند و با اینکه نقش این کاراکتر به گونه‌ای بود که در فیلمنامه چندان مشخص نبود و بیشتر در تدوین و فیلمبرداری‌ها شکل می‌گرفت بسیار به من اعتماد کردند. برای صحنه‌های شعرخوانی با کیارش بختیاری موزیسینمان تمرین می‌کردند و از این بعد برای خودشان هم تجربه جالبی بود.

در صحنه‌هایی از فیلم که بیشتر به دنیای دوستان امیر و آن صحنه‌های اعتیاد و توهم می‌پردازد آیا تمایل به رئالیته بود یا اینکه بیشتر تلاش کردید که نمادگر یا نه به این مسئله نزدیک شوید؟

یک آگاهی رسیده حتی به صورت نسبی و فکر می‌کنم کسانی که واقعاً هنری باشند و به مغزشان برای تولید نیاز داشته باشند از این مسائل فاصله می‌گیرند و سبک زندگی سالمی را برمی‌گزینند.

در مورد انتخاب بازیگر نقش امیر برای مان بگویید.

نقش امیر را محمد میرعلی بازی می‌کند که در حال حاضر مشغول به خدمت سربازی است و متأسفانه نتوانستند فیلم خودشان را روی پرده ببینند. محمد اولین بار در یکی از کارگاه بازیگری ما شرکت کرده بود و من به دنبال یک جنس صدای خاص بودم که به نوعی یک کودک‌کانگی داشته باشد و این وجه در صدای محمد برام وجود داشت و بدون اینکه خودش بداند دو سال روی او کار کردم. در یکی از نمایش‌هایم به نام گوریل بازی کرد و بعد یک مونولوگ به اسم عمو زنجیر باف نوشتم که قصه امیر را روایت می‌کرد و محمد توانست در جشنواره مونولوگ‌افرا برای بازیگری آن جایزه اول را بگیرد. پس از آن به او گفتم که این کاراکتر یکی از فیلمنامه‌هایم است و آنجا بود که متوجه شد او را برای این نقش در نظر گرفته‌ام.

از نظر تکنیکی به چه مسائلی در فیلم بیشتر تاکید داشتید.

برایم بسیار مهم بود که سکانس‌های برداشت بلند داشته باشیم و فقط جاهایی که لازم است کات بزیم. تا آنجا که می‌شود تدوین مینیمال، موجز و بیشتر شبیه زندگی باشد در عین حال در هر قاب برداشت‌های بلند و پر تحرکی وجود داشته باشد به این خاطر که روان و زندگی شخصیت اول فیلم بر از تنش است. در این راستا روش دوربین روی دست را انتخاب کردیم که خب میلاد پرتویی هم در این زمینه تبحر فراوان دارد و با گروه فیلمبرداری‌اش خیلی خوب از پیش برآمدند. برایم مهم بود سبک بازیگری فیلم خیلی طبیعی و شبیه